

از زمان ساخت در سال ۱۸۶۹، کانال سوئز توسط یک شرکت خصوصی اداره می شد، شرکت «Universal Canal Suez» سرمایه آن متعلق به فرانسه و انگلیس و در پاریس مستقر است. شرکت از یک امتیاز ۹۹ ساله برخوردار گردید که تا سال ۱۹۶۸ ادامه می یافت. اما وضعیت سیاسی تغییر کرد. در سال ۱۹۵۲، پادشاه فاروق توسط ارتش سرنگون شد. در سال ۱۹۵۴، رژیم نیرومند سرهنگ ناصر ضد امپریالیست و پان عربیست به قدرت می رسد. قاهره با غرب، به ویژه لندن و پاریس، وارد جنگ می شود. در ۲۶ جولای ۱۹۵۶، ناصر اعلام می کند که مالکیت این شرکت را به رسمیت نشناخته است، یعنی کانال سوئز را. کانال ملی می شود و اموال شرکت مصادره می گردد. این اقدام در اکتبر ۱۹۵۶ به دومین جنگ مصر و اسرائیل و مداخله فرانسه و بریتانیا منجر می شود. مصر از لحاظ نظامی شکست می خورد ولی به لحاظ سیاسی پیروزی می شود. شرکت انتفاع دوباره از کانال محروم می ماند.



جمال عبدالناصر حسین
۱۵ ژانویه ۱۹۱۸-۲۸ سپتامبر ۱۹۷۰
از سال ۱۹۵۶ تا هنگام مرگ، چهارده سال قدرت را در دست داشت



ایران پس از جنگ جهانی دوم بزرگترین تولید کننده نفت در خاورمیانه است. اما دولت ایران از این سرمایه ملی که در دستان شرکت نفت ایران-انگلیس است بهره کمی میبرد. در اوایل دهه ۱۳۲۰، ایران که تحت اشغال انگلیس در طول جنگ جهانی دوم می باشد، توسط موج ناسیونالیسم و ضد انگلیسی به جنبش در می آید. شاه، محمد رضا پهلوی تنها طرفدار شرکت نفت ایران-انگلیس باقی مانده است، در حالی که جنبش ملی شدن صنعت نفت گسترده تر می گردد. نخست وزیر او، حاج علی رزم آرا، در ۱۶ اسفند ۱۳۲۹، پس از یک سخنرانی علیه ملی شدن نفت، ترور می شود. مردم این ترور را به عنوان یک پیروزی جشن می گیرند. موجی از اعتصابات به نفع ملی شدن برگزار می شود. مجلس شورای ملی در ۷ اردیبهشت ۱۳۳۰، محمد مصدق رهبر جبهه ملی را به عنوان نخست وزیر انتخاب میکند. از ۱۰ اردیبهشت ۱۳۳۰، دولت مصدق از شرکت نفت ایران-انگلیس که

قرار بود تا سال ۱۳۷۲ امتیاز استخراج و بهره برداری از نفت ایران را داشته باشد، خلع ید و دارایی های آن را ملی می کند. مصدق می گوید: «با درآمد نفت ما قادر خواهیم بود مشکل کسری بودجه مان را حل کنیم و با فقر، بیماری و عقب ماندگی در جامعه مبارزه کنیم.» اما مذاکرات با شرکت نفت ایران-انگلیس شکست می خورد. بریتانیا تکنسین های خود را خارج می کند، تولید سایر کشورهای تولید کننده را افزایش می دهد و نفت ایران تحریم می شود. سرانجام، در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، سازمان سیا و شاه یک کودتای علیه مصدق را سازماندهی می کنند. فضل الله زاهدی، نخست وزیر جدید، بر سر بهره برداری از نفت ایران با یک کنسرسیوم از هشت شرکت غربی به توافق می رسد. ملی شدن نفت ایران عملاً از میان می رود.





هاینریش برونینگ
۲۶ نوامبر ۱۸۸۵ – ۳۰ مارس ۱۹۷۰
از ۳۰ مارس ۱۹۳۰ تا ۳۰ مه ۱۹۳۲ صدارت آلمان را بر عهده داشت

راه آهن در سال ۱۹۲۰، ۱۷ سال قبل از فرانسه، ملی می شود. در سال ۱۹۳۱، ورشکستگی Credit-Anstalt، نشانگر ورود بحران در اروپا است. بانک های آلمان سقوط می کنند. در سال ۱۹۳۲، صدر اعظم برونینگ (Brüning) تصمیم به ادغام سه بانک بزرگ درسدنر (Dresdner)، رامشتتر (Darmstädter) و ناتسیونال بانک (Nationalbank)، تحت نام بانک درسدنر (Dresdner Bank) می گیرد. دولت سرمایه این مجموعه جدید را تامین می کند و کنترل اکثریت سرمایه را در دست میگیرد. ملی سازی دیگری در آلمان (البته به استثنای GDR) تا سال ۲۰۰۹ صورت نگرفته است. پس از ورشکستگی لیمن برادرز (Lehman Brothers) در تاریخ ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۸، بازار پولی دچار رکود می شود. بانک آلمانی (Hypo Real Estate - HRE) که دیگر قادر به تامین مالی خود نیست، تهدید می کند که پرداخت های پولی را متوقف می کند. خطر بحران سیستماتیک در آلمان و اروپا شدت می گیرد. HRE کسری نزدیک به ۵۰۰ میلیارد یورویی را اعلام می کند. دولت آلمان یک برنامه کمک مالی تهیه می کند، که البته راه به جایی نمی برد. HRE دیگر توان پرداخت بدهی خود را ندارد. در آوریل ۲۰۰۹، به عنوان راه حل، بانک ملی سازی کامل می شود.



چهارمین بانک سرمایه گذاری در ایالات متحده
آمریکا

در پی بحران مالی ۲۰۰۷-۲۰۱۲
در تاریخ ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۸ اعلام
ورشکستگی نمود



ژان لوساژ
۱۰ ژوئن ۱۹۱۲ - ۱۲ دسامبر ۱۹۸۰
از ۵ ژوئیه ۱۹۶۰ تا ۱۶ ژوئن ۱۹۶۶ نخست وزیر کبک بود



نشان حزب لیبرال کبک

در سال ۱۹۶۰، حزب لیبرال در کبک به قدرت می‌رسد و به سلطه‌ی دراز مدت محافظه کاران پایان می‌دهد. دولت پیرو شعار انتخاباتی خود «اینک زمان آن است که تغییر کند» شروع به مجموعه‌ای از اصلاحات می‌کند. این دوره «انقلاب آرام» است که نقطه آغاز آن، ایده ملی سازی تولید برق با ملی کردن همه شرکت های خصوصی از جمله شرکت قدرتمند (Shawinigan)، یک شرکت انگلیسی زبان است که بخش بزرگی از تولید برق کبک را کنترل می‌کند. رنه لوزوک (René Lévesque)، روزنامه نگار سابق، که وزیر منابع طبیعی ایالت بل (Belle) است، مداخله و هدایت دولتی را بر شرکت، مورد انتقاد قرار می‌دهد و از مدیریت شرکت خودداری می‌کند. برای چندین ماه، شرکت و نخست وزیر درگیر این هستند که آیا دولت مدیریت بهتری دارد یا شرکت خصوصی. این بحث کبک را ملتهب می‌کند و نخست وزیر ایالتی ژان لوساژ (Jean Lesage)، تصمیم به انتخابات زودهنگام می‌گیرد. PLQ حزب مدافع ملی سازی برق پیروز می‌گردد. اکثریت مطلق را به دست می‌آورد و برق را در اول می‌سال ۱۹۶۳ با هزینه ۶۰۰ میلیون دلار کانادا ملی میکند.



شاوینیکان
قطب صنعتی و نیروگاهی برق آبی - کبک

SOCIETE NATIONALE des CHEMINS de FER FRANÇAIS

معذلک، پنج شرکت توسط دولت خلع ید شدند. دولت ادامه کار ساخت راه آهن را به عهده گرفت. در زمان امپراطوری دوم پس از ۱۸۵۲، دو باره این شرکتها خصوصی سازی شدند. اما در نهایت بخش خصوصی به وضوح ناتوانی خود را در اداره راه آهن نمایان ساخت. در ۱۹۰۸ بخشی از شرکتهای راه آهن دولتی شدند، تا اینکه در نهایت در سال ۱۹۳۷، اداره و تملک راه آهن سراسری فرانسه تحت عنوان Société nationale (des chemins de fer français) جامعه ملی راه آهن فرانسه به عهده دولت در آمد.

ساخت راه آهن فرانسه در ۱۸۴۰ با اراده سیاسی و اهداف بلند مدت حکومت فرانسه آغاز می شود. بخش خصوصی در همان ابتدا وارد حوزه ساخت می شود و قوانینی برای امنیت اقتصادی این مشارکت وضع می گردد. وسعت کار، خیلی زود کم توانی بخش خصوصی در ساخت پروژه های منطقه ای را نمودار میکند. کم بود نقدینگی این بخش بیم آن را می رساند که بخشهایی مانند راه آهن پاریس-لیون یا پاریس-استراسبورگ هرگز پایان نیابد. پس از انقلاب فوریه ۱۸۴۸ در فرانسه، بحران ساخت راه آهن تشدید می شود. دولت ژنرال کاویناک (Cavaignac)

سعی بر ملی کردن شرکتهای ساخت راه آهن و ادامه کار با مدیریت دولتی دارد. ولی در قرن نوزدهم ایده ملی کردن هم معنای سلب مالکیت بود. در جو کاملاً ضد سوسیالیستی سال ۱۸۴۸، دولت در زیر بار انتقاد شدید محافظه کاران و دست راستی ها قرار گرفت.

LE RAIL A VOTRE SERVICE



لیونل ژوسپن



ژاک شیراک



فرانسوا میتران



پس از جنگ جهانی دوم، یک دوره گسترده از ملی سازی در فرانسه آغاز شد. رنو (Renault) شرکت بزرگ خودرو سازی فرانسه، که توسط دولت موقت به رهبری ژنرال دو گل متهم به همکاری با آلمانها در طول اشغال شده بود، خلع ید و ملی اعلام شد. رنو تا سال ۱۹۹۰ که دوباره خصوصی سازی شد در اختیار دولت بود.

در سال ۱۹۸۲، برنامه گسترده ملی سازی فرانسوا میتران آغاز می شود. ۴۴ موسسه مالی و صنعتی و ۵ بانک تماماً ملی می شوند. ۱۸۹۶، راستها در مجلس قدرت را به دست می گیرند و ژاک شیراک نخست وزیر میشود. بسیاری از شرکتهای ملی شده را دوباره خصوصی میکنند. سال ۱۹۸۸، چپها دوباره به قدرت می رسند ولی این بار سیاست «نه، نه» را اتخاذ می کنند. یعنی نه ملی سازی، نه خصوصی سازی. لیونل ژوسپن نخست وزیر چپگرای دوران شیراک در ۱۹۹۷ به قدرت می رسد و با ابراز بیزاری از سیاستهای ملی سازی دوران قبل، به عنوان فردی چپگرا دست به خصوصی سازیهای گسترده میزند.



ژاک شیراک راست گرا در زمان ریاست جمهوری در کنار لیونل ژوسپن نخست وزیر چپگرایش
 شیراک و ژوسپن رقیب انتخابات ریاست جمهوری ۱۹۹۵ بودند. شیراک پیروز انتخاب گردید، ولی به علت اکثریت مجلس مجبور به انتخاب ژوسپن به عنوان نخست وزیر دولت خود شد